

سلسله درس هاي محدوديت

حلقه سوم

شناخت امام علی‌پروردگار



فروشگاه تخصصي کتب ديني

دکتر سید محمد کربنی هاشمی



فروشگاه تخصصی کتب دینی

سروشناسه: بنی‌هاشمی، سید محمد، ۱۳۹۶
 عنوان و نام پدیدآور: شناخت امام علی(ع)، سلسله درس‌های مهدویت، حلقة سوم
 سید محمد بنی‌هاشمی.
 مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۸.
 مشخصات ظاهری: ۳۰۰ ص.
 شابک جلد سوم: ۰۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۱۵۰-۲
 شابک دوره: ۰۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۱۵۰-۲
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.
 یادداشت: کتابنامه: همچین به صورت زیرنویس.
 موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. مهدویت.
 موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. احادیث.
 ردیبندی کنگره: ۱۳۸۸/۸ س / ۰۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۱۵۰-۲
 ردیبندی دیوبی: ۰۹۷/۴۶۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۲۹۴۱۵

شابک ۰۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۱۵۰-۶

ISBN 978-964-539-150-6 ۰۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۱۵۰-۶



سلسله درس‌های مهدویت (۲)

سید محمد بنی‌هاشمی
 ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر
 نوبت چاپ: دوم / ۱۳۹۰
 تیراز: ۱۵۰۰ نسخه
 حروفچینی: شبیر ۷۷۵۲۱۸۳۶
 چاپ: زنبق

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبرسرا، ساختمان پژوهشان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۰۷۷۵۲۱۸۳۶ (۶ خط)
 فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی بور، پلاک ۶۴ تلفن: ۰۹۳۵ ۷۵۲۱۸۳۶ (۴ خط)

وب سایت: <http://www.monir.com>
 پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مرکز پخش: تبریز (صحیفه) ۰۵۵۱۸۴۸-۰۴۱۱-۰۶۱۱-۲۲۱۷۰۰۱ * مشهد ۰۵۱۱-۲۲۵۷۲۵۷
 شیراز (شاهجهان) ۰۶۴۱-۲۲۶۱۸۲۱-۰۷۱۱ * اصفهان (مهر قائم) ۰۳۱-۲۲۲۱۹۹۵ * دزفول (مدرجان) ۰۶۴۱-۲۲۲۱۹۱۶

۴۷۰۰ تومان



فروشگاه تخصصی کتب دینی

اين حلقه به نيابت از:

سومين سفير و نایب خاص خاتم الاصیاء ﷺ

جناب حسین بن روح نوبختی علیه السلام

به پیشگاه؛

پدر بزرگوار خاتم الانبیاء ﷺ

فروشنگاه تخصصی حضرت عبدالله بن عبدالمطلب علیهم السلام

تقديم مى گردد.



فهرست مطالع

■ بخش اول: عاقبت به خیری اهل ولایت

۱۵	فصل اول: سعادت اهل ایمان بدسبب ولایت
۱۵	درس اول: معرفت اهل بیت <small>علیهم السلام</small> ؛ معیار ارزش شخصیت انسان
۱۶	دینداری یعنی تسلیم نسبت به ولایت ائمه <small>علیهم السلام</small>
۱۷	مقایسه سیئه دیندار با حسنۀ ری دین <small>علیه السلام</small> کتب دین
۱۹	تفکیک شخصیت افراد از اعمال آنها
۲۳	درس دوم: نجات اهل ایمان به برکت ولایت ائمه <small>علیهم السلام</small>
۲۳	تاریکی گناهان
۲۵	پاکی اهل پهشت
۲۷	پاک شدن با آتش جهنّم
۳۰	پاکی از گناهان با تحمل شداید محشر
۳۴	درس سوم: تطهیر از گناهان در دنیا
۳۴	پاک شدن در دنیا به وسیله بلایا
۳۶	تطهیر از گناهان با سختی جان دادن
۳۹	انواع جان دادن مؤمن و کافر
۴۲	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱ تا ۳

۴۳	درس چهارم: تطهیر از گناهان در عالم بربخ (۱)
۴۴	دونمونه از عذابهای بربخی
۴۷	نگرانی ائمهؑ از بربخ شیعیان
۴۸	شفاعت اهل بیتؑ: در بربخ
۵۵	درس پنجم: تطهیر از گناهان در عالم بربخ (۲)
۵۵	فشار قبر مؤمنان
۵۸	عذاب آتش در بربخ
۶۳	وضعیت انسانها در عالم بربخ
۶۶	درس ششم: عاقبت به خیر شدن مؤمنان
۶۶	انواع تطهیر و اقسام شفاعت
۷۰	مرحله قطعی نجات مؤمنان
۷۵	درس هفتم: ایمان در وقت مرگ
۷۵	ایمان مستقر و مستودع
۷۹	توفیق الهی در کسب ایمان مستقر
۸۱	نشانه ایمان مستقر و مستودع
۸۳	سلب ایمان در یک روز
۸۴	بهشتی بودن همه مؤمنان در دنیا
۸۵	دعا برای حفظ دین تا هنگام مرگ
۹۰	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۴ تا ۷
۹۱	فصل دوم: رابطه ایمان و عمل
۹۱	درس هشتم: صیانت از ایمان به وسیله ورع
۹۱	معنای ورع
۹۴	نزدیک نشدن به حریم الهی
۹۶	اثر ناخشنودی مادر در هنگام مرگ
۹۸	تأثیر ورع در تعمیق ایمان

فهرست مطالب ۹

۱۰۰	راه عاقیبیت به خیری
۱۰۱	تأکید شدید ائمه <small>علیهم السلام</small> بر رعایت ورع
۱۰۲	پیام امام باقر <small>علیه السلام</small> به دوستان خود
۱۰۵	درس نهم؛ رابطه ولایت و محبت اهل بیت <small>علیهم السلام</small> با طاعت و معصیت
۱۰۵	تبعیت، لازمه محبت
۱۰۷	تلازم ایمان با عمل
۱۱۰	منبع خیرات بودن ولایت ائمه <small>علیهم السلام</small>
۱۱۲	مغور نشود!
۱۱۳	بازدارندگی محبت اهل بیت <small>علیهم السلام</small> از گناه
۱۱۵	حالات مختلف دوستدار اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۱۱۸	تأثیر متقابل محبت ائمه <small>علیهم السلام</small> و طاعات
۱۱۸	بعض اهل بیت <small>علیهم السلام</small> بر اثر اصرار بر گناه
۱۲۰	آثار مرگ با محبت یا بعض اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۱۲۳	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۸ و ۹



▣ بخش دوم: معرفت امام عصر علیه السلام در زمان غیبت

۱۲۷	فصل اول: عصارة دین: معرفت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۲۷	درس دهم: عصارة دین: معرفت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۲۷	معرفت امام عصر <small>علیه السلام</small> ، شرط لازم دینداری
۱۳۰	موضوعیت داشتن معرفت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۳۰	هدف از خلقت: معرفت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۳۲	حکمت جناب لقمان
۱۳۵	فصل دوم: دینداری در زمان غیبت
۱۳۵	درس یازدهم: دینداری در زمان غیبت
۱۳۵	غضب الهی در غیبت امام <small>علیه السلام</small>

۱۳۶	سنت قطعی الهی در سلب نعمت‌ها
۱۳۹	امتحان سخت دینداری در زمان غیبت
۱۴۰	مردن یاد امام علیؑ در زمان غیبت
۱۴۲	بی‌دین شدن ناخودآگاه
۱۴۳	گریه امام صادق علیؑ به خاطر گرفتاری‌های مؤمنان در زمان غیبت
۱۴۵	حفظ دین در زمان غیبت
۱۴۶	دققت در غذای روح
۱۴۹	دینداری غریبانه

فصل سوم: معرفت امام علیؑ؛ تنهای راه حفظ دین در زمان غیبت

۱۵۱	درس دوازدهم: درخواست معرفت از خداوند در زمان غیبت
۱۵۱	چه باید کرد؟
۱۵۲	نقش دعا در کسب معرفت
۱۵۵	اهمیت دعای مؤثر
۱۵۷	نگرانی از بی‌دینی در زمان غیبت
۱۵۹	محتوای دعاها در زمان غیبت
۱۶۱	درس سیزدهم: فضیلت پایداری برولايت امام علیؑ در زمان غیبت
۱۶۱	شگفت‌ترین ایمان
۱۶۳	برادران پیامبر ﷺ در زمان غیبت
۱۶۴	کمی مؤمنان حقیقی در زمان غیبت
۱۶۶	کسب ثواب یاری امام علیؑ در زمان ظهور با معرفت ایشان
۱۷۰	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۰ تا ۱۳

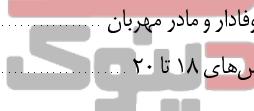
فصل چهارم: شناخت اوصاف امام عصر علیؑ

۱۷۳	درس چهاردهم: مراتب معرفت امام علیؑ
۱۷۳	حد واجب معرفت امام علیؑ

۱۱ فهرست مطالب

۱۷۴	معرفت به اسم و صفت
۱۷۶	مراتب معرفت به صفت
۱۸۰	مراتب معرفت اختیاری (اعتقاد)
۱۸۳	معرفت قلیی به امام علی ^ع
۱۸۷	درس پانزدهم: امام علی ^ع ، طبیب جسم و روح
۱۸۷	۱- طبیب ذوق ^ر بطبیه
۱۹۱	طبیب جسم
۱۹۱	نمونه اول
۱۹۳	نمونه دوم
۱۹۹	نمونه سوم
۲۰۲	نمونه چهارم
۲۰۶	طبیب روح
۲۰۸	درس شانزدهم: آیه‌شار علم و کشتن نجات
۲۰۸	۲- علم مصوب
۲۱۲	دستگیری علمی امام عصر علی ^ع
۲۱۲	فروشگاه تخصصی کتب دینی
۲۱۳	نمونه اول
۲۱۳	نمونه دوم
۲۱۵	کرامتی از مرحوم شیخ انصاری
۲۱۷	کرامتی دیگر از شیخ انصاری
۲۲۰	۳- سفینه نجات
۲۲۱	داستان دعای مشلول
۲۲۸	درس هفدهم: فراخوان به سوی خدا و فریدارس بینوا
۲۲۸	۴- داعی الله
۲۳۰	۵- فریدارس بیچارگان
۲۳۵	توسل در حال عافیت و بلا
۲۳۸	تشرّف مرحوم آیة الله حاج سید ابوالحسن اصفهانی

۲۴۵	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۴ تا ۱۷
۲۴۷	درس هجدهم: پناه از شیطان
۲۴۷	۶- کهف حصین
۲۵۲	روش‌های شیطان برای گمراه کردن انسان
۲۶۰	تنهای راه محفوظ ماندن از خطرات شیطان
۲۶۳	درس نوزدهم: گواه بر خلق
۲۶۳	۷- شاهد خدا بر خلق
۲۷۰	عرضه اعمال بندگان بر پیامبر <small>علیه السلام</small> و ائمه <small>علیهم السلام</small>
۲۷۶	حضور امام <small>علیهم السلام</small> در تشییع جنازه شیعیان
۲۸۱	درس بیستم: آب گوارا و مهریانترین
۲۸۱	۸- ساقی تشنگان
۲۸۴	۹- رفیق مونس
۲۸۷	۱۰- پدر دلسوز، برادر و فادر و مادر مهریان
۲۹۵	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۸ تا ۲۰
۲۹۷	فهرست منابع



فروشگاه تخصصی کتب دینی

۱ بخش



عاقبت جنگیری اهل ولایت

از مباحث حلقة دوم روشن شد که ایمان همان معرفت امام علی^ع و پذیرش ولایت اوست. از آنجا که عاقبت به خیری، دائئر مدار ایمان است، در این بخش به این بحث می‌پردازیم که اهل ولایت نهایتاً بهشتی و عاقبت به خیر می‌شوند؛ هر چند که به‌سبب گناهانشان در یک یا چند مرحله از مراحل پیشین (دنیا، هنگام جان دادن، عالم برآزخ، قیامت، عذاب موقّت جهنّم) به عذاب الهی گرفتار شوند.

البته ملاک ایمان، دارا بودن ولایت اهل بیت علی^ع تا هنگام مرگ است. پس کسی که پیش از مرگ، این ولایت را از دست بدهد، مشمول عاقبت به خیری نخواهد شد.



فصل

سعادت اهل ایمان بهبود و لایت

درس اول: معرفت اهل بیت ﷺ؛

معیار ارزش شخصیت انسان

در مباحث حلقه اول روش نشدن که اسلام به عنوان دین، همان ایمان قلبی و تسلیم شدن به پیشگاه خدای متعال است. از مباحث حلقه دوم نیز دانستیم حقیقت ایمان و روح اسلام عبارت از پذیرفتن و لایت اهل بیت ﷺ و تبری از دشمنان ایشان است. پس می توانیم مدعی شویم که دین در اصطلاح کتاب و سنت مساوی است با معرفت اهل بیت ﷺ و تسلیم شدن نسبت به ایشان؛ که لازمه اش بیزاری جستن از دشمنان آنهاست.

از همین جهت در ذیل آیه شریفه «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْأَسْلَامُ»^۱ امام باقر علیه السلام چنین فرموده‌اند:

الْتَّسْلِيمُ لِعَلَىٰ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام بِالْوِلَايَةِ.^۱

(منظور از اسلام عبارت است از) تسليم شدن نسبت به حضرت
علی بن ابی طالب عليه السلام به وسیله قبول ولایت ایشان.

دینداری یعنی تسليم نسبت به ولایت ائمه عليهم السلام

تسليم شدن نسبت به امیر المؤمنین عليه السلام در واقع تسليم در برابر خدای متعال است و اطاعت از ائمه عليهم السلام از اطاعت خدا و رسول صلوات الله عليه وآله وسلام جدا نیست، بلکه تنها راه تحقیق تسليم و اطاعت نسبت به خداوند، همانا تسليم شدن به ولایت اهل بیت عليهم السلام می باشد. بنابراین، دین خلاصه می شود در قبول ولایت اهل بیت و اصل و حقیقت دین همین است. سایر اجزایی که گاهی در تعریف دین ذکر می شوند، نسبت به این اصل، جنبه فرعی دارند. کارهای نیک اعم از واجب و مستحب، همگی فروع دین محسوب می شوند و اگر آنچنانکه باید، انجام پذیرند، حالت تسليم انسان را نسبت به خدا و اهل بیت عليهم السلام عمیق‌تر می سازند.

پس دینداری در واقع به روح تسليم و بندگی خدا اطلاق می شود که اعمال خارجی، اثر و نتیجه آن است. ارزش اعمال نیز به همان روح و حقیقتی است که باید داشته باشند و اگر حقیقت دین در آنها وجود نداشته باشد، اعمال جوارحی، صورتهای ظاهری هستند که هیچ ارزشی ندارند.

مقایسه سیئه دیندار با حسنہ بی‌دین

در مقام مقایسه، شخص دینداری که همه اعمالش پسندیده و نیکو نمی‌باشد، از فرد بیدینی که کارهای ظاهرًا زیبایی دارد، بهتر و ارزشمندتر است. زیرا اوّلی از حقیقتِ دین بهره‌مند است و لی دومی هر چند کارهای به ظاهر خوبی دارد، اماً این کارها فقط ظاهراً مر است و از روح بندگی و تسلیم او در پیشگاه خداوند حکایت نمی‌کند. هیچ‌کس نمی‌تواند با اعمالِ ظاهرًا پسندیده خود، خدا را بفریبد. آنچه اهمیت دارد، معرفت و تسلیم قلبی است و همه اعمال باید برخاسته از همان معرفت باشد که در این صورت اثرش از دیاد معرفتِ قلبی است. اگر چنین معرفتی وجود نداشته باشد، هیچ‌یک از آن اعمال ارزش ندارد و در پیشگاه خداوند مسدود است. از همین جهت است که امیر المؤمنین علیهم السلام مارا چنین هشدار داده‌اند:

أَيُّهَا النَّاسُ! دِينَكُمْ! دِينَكُمْ! تَمَسَّكُوا بِهِ. وَ لَا يُزِيلُنَّكُمْ وَ
لَا يُرِدُنَّكُمْ أَحَدٌ عَنْهُ. لِإِنَّ السَّيِّئَةَ فِيهِ خَيْرٌ مِّنَ الْحَسَنَةِ فِي غَيْرِهِ.
لِإِنَّ السَّيِّئَةَ فِيهِ تَعْفُرُ وَ الْحَسَنَةَ فِي غَيْرِهِ لَا تُقْبَلُ. ۱

ای مردم! مراقب دین خود باشید! مراقب دین خود باشید! به آن تمسک کنید. و کسی شما را از آن خارج نسازد و برنگرداند. زیرا کار بد در دین از کار خوب در غیر دین بهتر است. چون کار بد در دین بخشووده می‌شود، اماً کار خوب در غیر دین پذیرفته نمی‌شود.

«حسنه» به عملی گفته می‌شود که صرف نظر از قصد انجام دهنده آن، خوب و پسندیده است. «سینه» عملی است که بدون در نظر گرفتن نیت قلبی انجام دهنده آن، بد و ناپسند است. دیندار به کسی اطلاق می‌شود که در مسیر بندگی خداقرار دارد و کارهای خوبش نشان دهنده روح تسلیم و پذیرفتن ربویّت پروردگارش است. چنین کسی اگر سینه‌ای مرتکب شود، در حقیقت از وظیفه خود غافل شده و خداوند از روی رحمت و فضل خویش وعده مغفرت و گذشت نسبت به آن سینه داده است. چنین کسی خودش محبوب خداست هر چند که عمل معصیت او مبغوض درگاه الهی است. اما فردی دین، چون تسلیم خدا و باب بندگی او نشده، خودش مبغوض خداست و اگر حسن‌های هم انجام دهد، چون از سر تسلیم و عبودیّت نسبت به خدابوده، مقبول درگاه او نیست و ارزشی هم ندارد. بنابراین، معصیتی که انسان متدين انجام می‌دهد، از جهت عاقبت امر -نه از جهت نفس عمل- از کار خوبی که انسان بی‌دین انجام می‌دهد، بهتر است. زیرا اولی را خداوند می‌بخاید ولی دومی هیچ‌یک از کارهای خوبش، در حقیقت اطاعت از خدا نیست و لذا پذیرفته نمی‌شود.

خلاصه اینکه خداوند از انسانها بندگی می‌خواهد و بندگی هم خلاصه می‌شود در پذیرفتن ولایت اهل بیت علیه السلام. اعمال عبادی هم وقتی که در این مسیر باشد، ارزش پیدا می‌کند؛ و گرنه هیچ کار خوبی برای انسان باقی نمی‌ماند. آنچه شخصیت خود انسان را تشکیل می‌دهد، معرفت و ولایت اوست نه اعمال عبادی. بنابراین اهل معرفت، خودشان -به لحاظ شخصیت دینی خویش- محبوب خدا هستند و

نسبت به اعمال بدآنها هم و عده مغفرت داده شده است. متقابلاً منکران ولایت، خودشان مبغوض خدا هستند و اعمال خوب آنها شخصیت بی بهره از نور ایمانشان را تغییر نمی دهد.

تفکیک شخصیت افراد از اعمال آنها

عاقبت انسان (سعادت یا شقاوت او) وابسته به ایمان یا کفر است. اگر شخصیت آدمی از بعد ایمان و تدین مورد قبول خداوند قرار گیرد، اهل نجات است و در غیر این صورت هلاک می گردد. اعمال خوب هم در صورتی برای انسان فایده دارد که خودش خوب باشد. اگر اعمال خوب در مسیر بندگی خداوند باشد، مقبول است. این وقتی است که شخص، ولایت اهل بیت علیهم السلام را پذیرفته باشد؛ و گرنه هیچ یک از آن اعمال در مسیری که خداوند می خواهد، نیست و به همین جهت مردود است. البته گناهان اهل ولایت، شخصیت روحی و معنوی آنها را تحت تأثیر سوء خود قرار می دهد و چه بسا ایشان را از مسیر بندگی هم خارج کند، اما اگر چنین نشود - یعنی مؤمن ایمان خود را از دست ندهد - دست ولایت و سرپرستی خداوند نخواهد گذاشت که او در تاریکی گناهان باقی بماند و بالأخره او را از تاریکی خارج کرده، به روشنایی توبه و مغفرت الهی می رساند. این ولایت البته خاص مؤمنان است؛ یعنی کسانی که ولایت پیامبر ﷺ و عترت گرامی ایشان را پذیرفته اند و با این کار، خود را تحت عنایت و سرپرستی آن بزرگواران قرار داده اند. عبدالله بن ابی یعفور می گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: من تماس زیادی با مردم دارم و بسیار تعجب می کنم از کسانی که اهل ولایت شما نیستند

و خود را پیرو فلان و فلان می دانند، اما امانتدار، راستگو و اهل
وفای به عهد می باشند؛ و در مقابل کسانی هستند که ولایت شما
را پذیرفته اند، اما آن امانتداری و راستگویی و وفای به عهد را
ندارند. چگونه چنین می شود؟

وقتی امام علیا این سخن را شنیدند، راست نشستند و با
خشمنگینی رو به من کردند و سپس فرمودند:

لَادِينَ لِمَنْ دَانَ اللَّهَ بِوِلَايَةِ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ. وَ لَا عَتَبَ
عَلَى مَنْ دَانَ بِوِلَايَةِ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ.

کسی که خدا را با پیروی از امام ستمگری که منصوب از طرف
خدا نیست، دین ورزی کند، دین ندارد. و کسی که با قبول ولایت
امام عادل منصوب از طرف خدا، دین ورزی کند، قابل سرزنش
کردن نیست.

(ابن ابی یعقوب می گوید): عرض کردم: آنها دین ندارند و اینها هم
قابل سرزنش کردن نیستند؟! فرمودند: بله! آنها دین ندارند و اینها
هم قابل سرزنش نیستند. سپس فرمود:

الَا تَسْمَعُ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «اللَّهُ وَلِيُ الدِّينَ أَمْنَوْا يُخْرِجُهُمْ
مِنَ الظُّلْمَاتِ إِلَى النُّورِ»؟! يَعْنِي [إِنْ] ظُلْمَاتِ الدُّنْوِبِ إِلَى
نُورِ التَّوْبَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ؛ لِوَلَا يَتَّهِمُ كُلُّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ. وَ قَالَ:
«وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى
الظُّلْمَاتِ». إِنَّمَا عَنِّي بِهِذَا أَنَّهُمْ كَانُوا عَلَى نُورِ الْإِسْلَامِ، فَلَمَّا
أَنْ تَوَلَّوْا كُلُّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، خَرَجُوا
بِوِلَايَتِهِمْ [إِيَاهُ] مِنْ نُورِ الْإِسْلَامِ إِلَى ظُلْمَاتِ الْكُفْرِ فَأَوْجَبَ

اللَّهُ لَهُمُ النَّارُ مَعَ الْكُفَّارِ «فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ».١

آیا فرموده خدای عزوجل را نمیشنوی: «خداؤند ولی کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنها را از تاریکی‌ها به سوی نور و روشنایی خارج می‌سازد».؟! منظور (خارج کردن) از تاریکی‌ها گناهان به سوی روشنایی توبه و مغفرت است. و علت آن، قبول ولایت پیشوایان عادل منصوب از جانب خداست. و نیز فرمود: «آنها که کافر شدند، سربرست ایشان طاغوت است؛ آنها را از روشنایی خارج و به تاریکی‌ها وارد می‌سازند». مقصود این است که آنها نور اسلام را دارا بودند، اما چون ولایت پیشوای ستمگری را که منصوب از جانب خدا نیست پذیرفتند، به خاطر قبول ولایت ایشان، از نور اسلام خارج شدند و به تاریکی‌ها کفر وارد گردیدند. آنگاه خداوند هم برای ایشان، همراهی با کافران را در آتش واجب گردانید. (چنانکه می‌فرماید): «آنها اهل آتش هستند که همیشه در آن باقی خواهند بود».٢

در این حدیث صریحاً به بی‌دینی منکران ولایت هر چند که کارهای خوب هم داشته باشند، اشاره شده‌است. در مقابل تصريح شده است که اهل ولایت، خودشان - صرف نظر از گناهانشان که شایسته نکوهش می‌باشد - قابل سرزنش نیستند. یعنی شخصیت دینی

۱ - اصول کافی، کتاب الحجۃ، باب فیمن دان الله عزوجل بغير امامٍ منَ الله جل جلاله، ح . ۳
۲ - بقره / ۲۵۷

آنان تا وقتی اهل ایمان هستند، ارزش خود را از دست نمی‌دهد. اعمال و صفاتِ نکوهیده آنها را باید تخطیه کرد، ولی ولایت و ایمان ایشان قابل تقبیح نیست. اهل معرفت، خودشان خوب هستند؛ هر چند که اعمالشان بد باشد. اما منکران، خودشان بد هستند؛ هر چند که کارهای ایشان خوب باشد. یعنی کارهای خوب آنها را تحسین می‌کنیم، ولی خودشان را تقبیح می‌نماییم؛ زیرا در مسیر بندگی خدا نیستند.



درس دوم: نجات اهل ایمان به برکت ولایت ائممه



تاریکی گناهان

وعده‌ای که به اهل ایمان داده شده، این است که اگر پرونده اعمالشان سیاه است، خدا ایشان را به حوال خود و امنی گذارد، بلکه موجبات پاک شدنشان را فراهم می‌سازد: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ».

چنانکه در درس گذشته دیدیم، امام صادق علیه السلام مقصود از «ظلمات» را تاریکی گناهان دانسته‌اند و در توضیح آیه شریفه فرموده‌اند: «یعنی مِنْ ظُلُمَاتِ الدُّنْوِبِ إِلَى نُورِ التَّوْبَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ». آری؛ گناهان، قلب و روح انسان را آلوده و تاریک می‌کنند. از همین امام بزرگوار نقل شده است که فرمودند:

إِذَا أَذْنَبَ الرَّجُلُ خَرَجَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ سَوْدَاءُ فَإِنْ تَابَ انْمَحَتْ

وَإِنْ زَادَ رَدَّتْ حَتَّىٰ تَغْلِبَ عَلَىٰ قَلْبِهِ فَلَا يُفْلِحُ بَعْدَهَا أَبَدًا۔^۱

هنگامی که شخص گناه می‌کند، نقطه سیاهی در قلبش پدید می‌آید. پس اگر توبه کند، (آن نقطه) از بین می‌رود و اگر (بر آن گناه) بیفزاید، آن سیاهی زیاد می‌شود تا اینکه بر قلب او چیره و مسلط می‌گردد. پس بعد از آن دیگر هیچ‌گاه رستگار نمی‌شود.

گناهان باعث سیاهی و تاریکی قلب انسان می‌شوند و در صورت توبه نکردن، این سیاهی، قلب او را فرا می‌گیرد به طوری که دیگر هیچ‌گاه سعادتمند نمی‌گردد. این در وقتی است که شخص، ایمان خود را از دست می‌دهد و بی‌دین از دنیا می‌رود. حضرت باقر العلوم علیه السلام در همین خصوص فرموده‌اند:

ما مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ بَيْضَاءٌ. فَإِذَا أَذْنَبَ ذَنْبًا، خَرَجَ فِي النُّكْتَةِ نُكْتَةٌ سَوْدَاءٌ. فَإِنْ تَابَ، ذَهَبَ ذَلِكَ السَّوَادُ. وَ إِنْ تَمَادَىٰ فِي الذُّنُوبِ، زَادَ ذَلِكَ السَّوَادُ حَتَّىٰ يُعَطِّي الْبَيَاضَ. فَإِذَا غُطِّيَ الْبَيَاضُ، لَمْ يَرْجِعْ صَاحِبُهُ إِلَى خَيْرٍ أَبَدًا。 وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «كَلَّا بَلْ رَأَنَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ».^۲

بندهای نیست مگر آنکه نقطه سفیدی در قلبش می‌باشد. پس چون گناهی مرتکب شود، یک نقطه سیاه در آن پدید آید. آنگاه اگر توبه کند، آن سیاهی از بین می‌رود. و اگر به انجام گناه ادامه دهد، آن سیاهی افزایش می‌یابد تا آنکه سفیدی را می‌پوشاند.

۱ - اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب الذنوب، ح ۱۳ .

۲ - مطففين / ۱۴ .

۳ - اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب الذنوب، ح ۲۰ .

پس چون سفیدی پوشیده شود، آن شخص هرگز به خیر (و سعادت) برنمی‌گردد. و این همان گفتار خداوند عزّوجلّ است: چنین نیست، بلکه آنچه انجام می‌دادند، بر قلبها یشان زنگار پدید آورد.

به این ترتیب انجام هرگناهی قلب انسان را تا حدّی آلوده و تاریک می‌کند و اگر توبه نکند و به ارتکاب گناه ادامه دهد، تاریکی، همه قلب را فرامی‌گیرد و دیگر راهی برای سعادت شخص باقی نمی‌ماند.

پاکی اهل بهشت

دانستیم که هرگناهی در حدّ خودش قلب انسان را تیره و تار می‌کند و صاحب قلب ناپاک نمی‌تواند وارد بهشت شود. بنابراین تا آثار آلودگی گناهان در قلب او از بین فروع، عاقبت به خیر و بهشتی نخواهد شد.

فروشنده فوشنگ انتصافی کتب دینی
امام باقر علیه السلام چنین فرموده‌اند:

الذُّنُوبُ كُلُّهَا شَدِيدَةٌ. وَ أَشَدُّهَا مَا نَبَتَ عَلَيْهِ الْلَّحْمُ وَ الدَّمُ.

لِأَنَّهُ إِمَّا مَرْحُومٌ وَ إِمَّا مُعَذَّبٌ. وَ الْجَنَّةُ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا طَيِّبٌ.^۱

همه گناهان (از جهت نافرمانی خدا و شدت عقوبت) سخت هستند. و سخت‌ترین آنها گناهانی است که بر آن، گوشت و خون بروید. زیرا شخص گناهکار یا بخشوده می‌شود و یا مبتلا به عذاب می‌گردد (تا پاک شود). و جز پاک، کسی وارد بهشت نمی‌شود.

۱ - اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب الذنوب، ح ۷.

در این حدیث شریف چند مطلب اساسی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است:

اول اینکه: همه گناهان - بدون استثنای سخت و شدید هستند. سختی گناه به خاطر شدت زشی و عقوبت آن می‌باشد. نافرمانی پروردگار به هر صورت و در هر درجه‌اش بسیار زشت است. اگر انسان قبیح گناه را بفهمد، می‌یابد که با انجام یک گناه، مستحق کیفر سنگینی از جانب خداوند می‌گردد. درست است که بعضی گناهان، کبیره و بعضی دیگر صغیره نامیده شده‌اند، اما این تقسیم بندی در مقایسه گناهان با یکدیگر می‌باشد؛ والا هر گناهی به خودی خود - بدون مقایسه با سایر گناهان - چون معصیت خدای کریم و مهربان است، بسیار زشت می‌باشد و موجب استحقاق کیفر سخت می‌گردد.

دوم: در میان همه گناهان، گناهی که گوشت و خون انسان بر آن می‌روید، سخت‌تر و سنگین‌تر است. اگر کسب و کار انسان از راه حرام باشد یا حقوق مالی خود را - نظیر خمس - نپردازد یا حق‌الناس (مظالم عباد) در اموالش باشد، در همه این حالات، تغذیه‌اش از مال حرام بوده و گوشت و خونش با حرام رشد کرده است. همچنین است اگر بر انجام گناه یا گناهانی اصرار ورزد و مدت طولانی اهل انجام آن باشد؛ این هم مصدق رویش گوشت و خون بر حرام است. این گونه گناهان به فرمایش امام باقر علیه السلام سخت‌ترین گناهان هستند؛ چون بیشترین و عمیق‌ترین تأثیر آلودگی را در انسان دارند و در حقیقت بیش از سایر گناهان، قلب انسان راتاریک و کشیف می‌کنند.

سوم: پاک شدن از آثار زشت گناهان به دو صورت امکان دارد؛ یا

اینکه خداوند صاحب آن گناهان را عفو کند و او را مورد رحمت خویش قرار دهد و یا اینکه با چشیدن عذابهای مختلف از آلودگی گناهان خارج گردد. هرچه گناهان بیشتر و شدیدتر باشند، پاک شدن از آثار آنها سخت‌تر و در نتیجه، عذابهای سنگین‌تری انسان را تهدید می‌کند. اما هر اندازه از گناهان شخص که آمرزیده شود و مورد عفو الهی واقع شود، عذابش هم از او برداشته خواهد شد.

چهارم: علت اینکه گناهکار باید یا بخشد و یا عذاب شود، این است که تا صاحب گناه از آلودگی گناهان پاک نشود، وارد بهشت نمی‌گردد. خداوند بهشت را فقط برای پاکان قرار داده است و بنابراین هیچ‌کس با وجود آلودگی گناه نمی‌تواند بهشتی شود.

نتیجه‌ای که از این حدیث شریف گرفته می‌شود، این است که: انسان برای رسیدن به سعادت ابدی، باید از تاریکی گناهان خارج و به روشنایی مغفرت الهی وارد گردد. این تحول به دو شکل ممکن است انجام شود که یکی از آن دو برای بندۀ خوشایند و آسان است و دیگری ناخوشایند و سخت. بهترین و مطبوّع‌ترین راه برای انسان، این است که نسبت به همه گناهانش مورد عفو و رحمت الهی قرار گیرد و برای پاک شدن از هیچ گناهی مورد عذاب قرار نگیرد. اما اگر چنین نشود، تنها راه بهشتی شدن، این است که با انواع عذابهای الهی از آلودگی گناهان خارج گردد.

پاک شدن با آتش جهنم

سخت‌ترین عذاب الهی که اهل ایمان ممکن است به آن گرفتار شوند، آتش جهنم می‌باشد که از همه عذابهای دیگر شدید‌تر و تحمل آن

مشکل‌تر است. این عذاب برای شیعیانی است که بزرگترین گناهان را - نسبت به سایرین - مرتکب شده‌اند که اگر مورد عفو و رحمت الهی قرار نگیرند، تنها راه پاک شدن‌شان آتش جهنم می‌باشد. از حضرت امام حسن عسکری علی‌الله‌عاصم نقل شده که فرمودند:

قَيْلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّدَ: فَهُلْ يَدْخُلُ جَهَنَّمَ أَحَدٌ مِنْ مُحِبِّيَّكَ وَ مُحِبِّيِّ عَلِيٍّ؟

قالَ: مَنْ قَدَرَ نَفْسَهُ بِمُخَالَفَةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيٍّ وَ واقعُ الْمُحَرَّماتِ وَ ظَلَمَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ خَالَفَ مَا رُسِّمَ لَهُ مِنَ الشَّرِيعَاتِ، جاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَدِيرًا طَفِيسًا.

يَقُولُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّدَ: يَا فُلَانُ أَنْتَ قَدِيرٌ طَفِيسٌ لَا تَصْلُحُ لِمُرَافَقَةِ مَوَالِيَّكَ الْأَخْيَارِ وَ لَا لِمُعَانَقَةِ الْحُورِ الْحَسَانِ وَ لَا الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ. لَا تَصِلُّ إِلَى مَا هُنَاكَ إِلَّا بَانْ تُطَهَّرَ عَنْكَ مَا هَاهُنَا. يَعْنِي مَا عَلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ. فَيَدْخُلُ إِلَى الطَّبِيقِ الْأَعْلَى مِنْ جَهَنَّمَ فَيَعْذَبُ بِيَعْضِ ذُنُوبِهِ.^۱

از رسول خدا علی‌الله‌عاصم سوال شد: آیا از دوستداران شما و دوستداران علی‌الله‌عاصم هم کسی وارد جهنم می‌شود؟

فرمودند: کسی که خود را با نافرمانی (از دستورات) محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّدَ آلوه ساخته و مرتکب محرمات شده و به مردان و زنان با ایمان ستم روا داشته و از عمل به احکام شرع تخلف ورزیده

^۱ - بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۵۴، ح ۶۸، از تفسیر امام حسن عسکری علی‌الله‌عاصم.

است، (چنین کسی) روز قیامت آلوده و کثیف محشور می‌شود. (در آن روز) حضرت محمد ﷺ و علی علیہما السلام می‌فرمایند: ای فلاانی، تو آلوده و کثیف هستی، نه صلاحیت همنشینی با موالی نیک خود داری و نه شایستگی هم‌آغوش شدن با حوران زیبا و نه لیاقت (مصالححت با) فرشتگان مقرب. به آن نعمتها نخواهی رسید مگر آنکه آلودگی گناهان را از خود بشویی. آنگاه او را به طبقه بالای جهنّم داخل می‌کنند، پس به کیفر برخی از گناهاتش می‌رسد.

آری؛ کسی که مرتكب گناه می‌شود، خود را آلوده و کثیف می‌کند و به همین جهت از ورود به بهشت و همنشینی با موالی خود محروم می‌شود. تا وقتی از کثافت گناهان پاک نشده، هرگز به آن نعمتها بعثتی نمی‌رسد. سخت‌ترین عذاب الهی در قیامت به صورت جهنّم بروز می‌کند و کسانی از اهل ایمان که مرتكب گناهان بزرگ شده‌اند، فقط با آتش جهنّم پاک می‌گردند. البته به خاطر ایمان و محبتی که به اهل بیت ﷺ داشته‌اند، در بالاترین طبقه جهنّم -که از جهت عذاب، سبکتر است -مورد عذاب واقع می‌شوند. در ادامه فرموده‌اند:

هُؤُلَاءِ أَشَدُّ مُحِبِّينَا عَذَابًا وَ أَعْظَمُهُمْ ذُنُوبًا لَيْسَ هُؤُلَاءِ
يُسَمُّونَ بِشَيْعَتِنَا وَ لِكِنَّهُمْ يُسَمُّونَ بِمُحِبِّينَا وَ الْمُوَالِينَ لِأَوْلِيَائِنَا
وَ الْمُعَادِينَ لِأَعْدَائِنَا إِنَّ شَيْعَتَنَا مَنْ شَيَّعَنَا وَ اتَّبَعَ آثَارَنَا وَ
اقْتَدَى بِأَعْمَالِنَا.

اینها در میان دوستان ما، سخت‌ترین عذاب و بیشترین گناه را دارند. البته اینها شیعه ما نامیده نمی‌شوند، بلکه دوستداران ما